ادامه از صفحه ۵

آبخوان‌داری نیاز حال و آینده کشور

هرچند در سطح کشور فعالیت‌های مختلف پیشگیری و کاهش خسارات سیل، چه در زمینه‌های سازه‌ای و چه در شکل غیرسازه‌ای انجام شده است و در حوضه‌های آبخیز تحت پوشش فعالیت‌های پیشگیرانه، خسارات واردشده به شکل محسوسی کاهش یافته، اما آنچه دراین‌باره مشهود است، محدود و پراکنده‌بودن این فعالیت‌ها در سطح کشور، صورت هماهنگی بیشتر دستگاه‌های اجرائی دولتی، نیمه‌دولتی و خصوصی است و توجه بیشتر به مقوله پیشگیری به‌جای جبران خسارت در موضوع مدیریت سیلاب می‌تواند با هزینه‌ای به‌مراتب کمتر از خسارات مالی و تلفات جانی احتمالی ناشی از سیل جلوگیری کند.

رخداد پدیده سیلاب در دهه‌های اخیر در کشور شدت یافته و خسارات سنگینی را به بخش‌های مختلف کشور وارد کرده است؛ بنابراین دیگر نباید سیلاب را یک «حادثه غیرمترقبه» در کشور تلقی کرد و باید با رویکرد جدید هم‌زیستی با سیلاب، ایجاد آمادگی لازم، تدوین برنامه جامع مدیریت سیلاب و تأمین اعتبارات مورد نیاز، تهدید ناشی از سیلاب در کشور را تا حد زیادی کاهش داد و به فرصتی در راستای دستیابی به اهداف توسعه پایدار تبدیل کرد.

بررسی آمار سیل در کشور نشان می‌دهد که از سال ۱۳۳۰ تا پایان نیمه نخست سال ۱۳۹۷ در مجموع شش‌هزارو ۹۹۶ سیل بزرگ و کوچک در کشور رخ داده است که هزارو ۲۸۹ مورد آن مربوط به دهه ۹۰ است. آنچه در این میان تأمل‌برانگیز است، افزایش شدت بارندگی‌ها به‌ویژه در دهه اخیر است که شاهد تکرار بارش‌های بیش از صد میلی‌متر و گاهی بیش از ۳۰۰ میلی‌متر هستیم. نظیر آنچه در سیل مهرماه سال جاری در شمال کشور رخ داد و در غرب مازندران در ایستگاه میان آت حوضه صفاورود رامسر بارندگی ۳۴۶ میلی‌متر با شدت ۱۰۵ میلی‌متر در سه ساعت موجب خسارات زیادی در شمال شد و حجم عظیمی از سیلاب از حوضه‌های آبخیز مناطق مختلف بدون بهره‌برداری از دسترس خارج شد.

اجرای طرح‌های آبخوان‌داری از طریق توسعه سامانه‌های آبگیر باران، اجرای سیستم‌های پخش سیلاب بر عرصه آبخوان‌ها، توزیست، گوباره و امالهم و همچنین بهره‌گیری از دانش بومی استحصال آب باران در مناطق مختلف ایران و به‌روزرسانی الگوهای سنتی در تلفیق با مدل‌های نوین به‌علاوه اعمال سیاست‌های درست مدیریتی در جهت حفاظت و احیای آبخیزها و مدیریت جامع حوضه‌های آبخیز کشور می‌تواند با استفاده بهینه از ظرفیت جامع‌ها و سیلاب‌ها و ذخیره آن در درون زمین و هدایت به آبخوان‌های زیرزمینی در شرایط کنونی به پایداری آب در سرزمین ایران کمک کند.

با تأکید بر اینکه ایران در یک منطقه خشک و نیمه‌خشک واقع شده، اولین و مهم‌ترین راهکار خروج از بحران آب، پذیرش شرایط اقلیمی ایران است که باید در این زمینه فرهنگ‌سازی صورت گیرد تا همه نسبت به آن احساس مسئولیت کنیم.

راه دوم برای خروج از بحران آب این است که تمام طرح‌های توسعه‌ای با توجه به رخداد پدیده تغییر اقلیم در ایران بازنگری شود و توان خرد اقلیم در طرح‌های توسعه‌ای مدنظر قرار گیرد که اکریک منطقه توان بارگذاری جدید را ندارد. از اجرای طرح‌های توسعه‌ای نامتناسب و ناپایدار خودداری شود.

راهکار سوم پرداختن به روش‌های مختلف کنترل سیلاب و آبخوان‌داری است. آبخوان‌داری در مقابله با این بحران از کارآیی و راندمان بسیار بالایی برخوردار است. نتایج ارزیابی نشان می‌دهد هر هکتار آبخوان‌داری و پخش سیلاب، هزار مترمکعب آب در هکتار در خاک ذخیره می‌کند. همچنین تجربه نشان می‌دهد در برخی مواقع با اجرای پروژه‌های آبخوان‌داری در حوضه‌های آبخیز، دبی یک سیلابی صدساله به ۵۰ساله تقلیل می‌یابد و حجم سیلاب با دوره بازگشت صدساله را به‌راحتی به دوره بازگشت ۲۵ساله می‌رساند. در شرایط کنونی بیش از نیمی از مجموع ۶۰۹ دشت کشور با بیلان منفی مواجه و در زمره آبخوان‌های ممنوعه و بحرانی قرار دارند که در برخی از این دشت‌ها، بدیده فرونشست زمین، آبخوان را با تهدید جدی مواجه کرده است. اجرای طرح‌های آبخوان‌داری در حوضه آبخیز مشرف به دشت‌های مهم کشور در کنار کنترل اضافه برداشت‌های کمی اساسی در جهت حفظ آبخوان‌ها و پایداری آب در کشور به شمار می‌رود.

ازآنجایی‌که عملیات آبخیزداری و آبخوان‌داری با طبیعت، اکوسیستم و محیط زیست همکاست، با حداقل هزینه می‌توان خطرات سیلاب و خشک‌سالی را به فرصت‌های کاهش سیلاب و تخریب ناشی از آن تبدیل کرد و در پی آن شاهد تغذیه آبخوان‌های زیرزمینی و تقویت آبدهی چاه‌ها، چشمه‌ها و قنوات باشیم. وجود ۲۲ میلیون هکتار نهشته کواترنر و ۹ میلیون هکتار اراضی محفوظ افتاده با ۱۲ میلیون هکتار اراضی مستعد بخش سیلاب از ظرفیت‌های فراوان آبخوان‌داری در کشور حکایت دارد.

از مجموع ۱۲۵ میلیون هکتار وسعت کشور مجموع آبخیز کشور تاکنون مطالعات شناسایی و توجیهی در سطح ۴۵ میلیون هکتار و مطالعات تفصیلی اجرائی در سطح ۲۶ میلیون هکتار انجام شده است. از مجموع حوضه‌های آبخیز مطالعه‌شده تاکنون عملیات اجرائی در سطح ۱۱ میلیون هکتار به اتمام رسیده و ۱۰ میلیون هکتار از حوضه‌های آبخیز در حال انجام فعالیت‌های آبخیزداری و آبخوان‌داری است. ازجمله پروژه‌های شاخص آبخوان‌داری می‌توان به ۲۴۱ پروژه پخش سیلاب اجراشده در سطح کشور به‌علاوه ۳۷ ایستگاه آبخوان‌داری، همچنین ۵۳ پروژه پخش سیلاب در دست اجرای سال جاری در ۲۰ استان کشور از محل اعتبارات ملی صندوق توسعه اشاره داشت.

در این میان نباید از مطالب حوضه‌های آبخیز مرزی کشور غافل بود. کرسه ۲۵ میلیون هکتار آبخیزهای مرزی در ۱۶ استان مرزی و ساحلی کشور که تاکنون فقط در دو میلیون هکتار آن مطالعه و اجرای فعالیت آبخیزداری و آبخوان‌داری انجام شده است و ۹۰ درصد باقی‌مانده حوضه‌های مرزی کشور به‌منظور بهره‌برداری از حقابه بارشی کشور در نوار مرزی و سهم ایران از منابع آب‌های مشترک که از پهنه سرزمینی ایران خارج می‌شود، با رعایت معیارهای هیدرولوژی فراسرزمینی لازم است تحت پوشش طرح‌های کنترل سیلاب و آبخوان‌داری قرار گیرد.

شایان‌ذکر است که با وجود فعالیت‌های پراکنده انجام‌شده در سطح حوضه‌های آبخیز کشور، به‌ویژه اقدامات سال جاری سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور از محل اعتبارات صندوق توسعه ملی در ۶۴۹ حوضه آبخیز با شش هزارو ۴ نقطه جغرافیایی فعالیت، فاصله سطوح تحت پوشش فعالیت‌های آبخیزداری و آبخوان‌داری با آنچه باید متناسب با نیاز کشور انجام شود، زیاد است. امید است نامه‌رویان و تصمیم‌گیران با عنایت به شرایط آبی کشور بیش‌ازپیش به این مهم توجه کنند.

گزارش تحلیلی «شرق» از سیاست دولت‌ها در سانسور اطلاعات آماری در ۲ دهه اخیر

پشت‌پرده گزینش‌های آماری

آمارهای اعلامی قرار است با چه کسانی صحبت کند؟

نرخ رشد پایه پولی در دو مرجع آماری (نرخ‌ها بر اساس آمار اعلامی وقت و قبل از بازبینی است)

روند نرخ تورم نقطه به نقطه (مسلسل به روایت دو مرجع آماری)

نرخ رشد تورم نقطه به نقطه (مسلسل به روایت دو مرجع آماری)

نرخ رشد اقتصادی بر اساس آمار اعلامی وقت و قبل از بازبینی است)

نرخ رشد اقتصادی در دو مرجع آماری (نرخ‌ها بر اساس آمار اعلامی وقت و قبل از بازبینی است)

مرضیه امیری: ماجرای تکراری اختلاف میان بانک مرکزی و مرکز آمار دوباره بروز کرده. اما این‌بار فقط در حد جدل درباره صحت و تفاوت آماری باقی نمانده و کمیسیون تخصصی شورای‌عالی آمار اعلام کرده است، تولید و انتشار آمار از سوی بانک مرکزی اتلاف منابع مالی است و با همین استدلال دستور توقف تولید آمار در بانک مرکزی را صادر کرده‌اند. بانک مرکزی هم در واکنش به این تصمیم گفته است که به تولید آمار متغیرهای کلان اقتصادی ادامه می‌دهد. البته پیش‌تر از سوی این مرجع آماری اعلام شده بود تا اطلاع ثانوی آمار تولیدی این مرکز برای متغیرهایی مانند تورم منتشر نخواهد شد. روزنامه «شرق» پیش‌تر در گزارش‌هایی چرایی و چگونگی اختلاف آماری میان این دو نهاد را بررسی کرده، اما در گزارش پیش‌رو تلاش شده است به این سؤالات پاسخ داده شود: از نظر تاریخی در چه شرایط اقتصادی و در چه تحولاتی فاصله آماری میان بانک مرکزی و مرکز آمار عمیق شده است؟ آیا این فاصله آماری صرفا به دلیل تفاوت شیوه محاسباتی این دو نهاد بوده؟ و اگر حذف (عقب‌نشینی) بانک مرکزی از چرخه آماری به‌دلیل صرفه‌جویی در منابع است، برای اینکه جلوی اتلاف هزینه گرفته شود، چرا مرجع آماری که نه به تمامی، اما تا حد زیادی مورد اعتماد پژوهشگران اقتصادی است و در مقایسه با مرکز آمار، اطلاعات مندرج در آن به واقعیت موجود نزدیک‌تر است، باید به‌عنوان محل صرفه‌جویی در هزینه‌های تولید آمار انتخاب و حذف شود؟ چرا در دوره‌هایی که دولت‌ها از آن به‌عنوان «پیشرفت» اقتصادی نام می‌برند، انتشار آمار دو مرجع آماری با کمترین اختلاف و با نظمی ستودنی منتشر شده و در روزهای «سخت» بیشترین دقت‌ها صرف گزینش و بایکوت آمار در انتشار می‌شود؟ آیا در پس تبلیغ صرفه‌جویی مالی هدف دیگری دنبال می‌شود؟ هدفی که میان دولت‌ها مشترک بوده است: «پنهان‌کردن آمارهای واقعی که برای دولت افتخارآفرین نیستند».

گزینه‌های روی میز کنمان واقعیت یا عددسازی

به گزارش «شرق»، اختلاف بین دو نهاد آماری کشور سال‌هاست که بر سر موضوعات مختلف، به‌ویژه در دوره‌های تفاوت‌های آماری در شاخص‌های قیمت مصرف‌کننده و تولیدکننده بروز می‌یابد. آخرین مورد این اختلاف‌ها، تفاوت معنادار آمار تورم آذرماه بود. نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه این ماه را بانک مرکزی ۴۲ درصد اعلام کرد، اما به فاصله یک‌قرار از دو ساعت آمار مربوط به این متغیر را از خروجی سایت خود حذف کرد. اما آمار نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه آذرماه در مرکز آمار ۳۸ درصد محاسبه شده است. همچنین بانک مرکزی تا به این لحظه آمار مربوط به نرخ تورم آذرماه و رشد اقتصادی شش‌ماهه دوم امسال را منتشر نکرده و البته اعلام کرده است تا اطلاع ثانوی آمار تورم و شاخص‌های دیگر را نیز منتشر نکرده است. بنابراین اینکه آمار نرخ تورم آذرماه را منتشر کرده و البته اعلام کرده تا اطلاع ثانوی آمار تولیدی این مرکز برای متغیرهایی مانند تورم منتشر نخواهد شد. روزنامه «شرق» پیش‌تر در گزارش‌هایی چرایی و چگونگی اختلاف آماری میان این دو نهاد را بررسی کرده، اما در گزارش پیش‌رو تلاش شده است به این سؤالات پاسخ داده شود: از نظر تاریخی در چه شرایط اقتصادی و در چه تحولاتی فاصله آماری میان بانک مرکزی و مرکز آمار عمیق شده است؟ آیا این فاصله آماری صرفا به دلیل تفاوت شیوه محاسباتی این دو نهاد بوده؟ و اگر حذف (عقب‌نشینی) بانک مرکزی از چرخه آماری به‌دلیل صرفه‌جویی در منابع است، برای اینکه جلوی اتلاف هزینه گرفته شود، چرا مرجع آماری که نه به تمامی، اما تا حد زیادی مورد اعتماد پژوهشگران اقتصادی است و در مقایسه با مرکز آمار، اطلاعات مندرج در آن به واقعیت موجود نزدیک‌تر است، باید به‌عنوان محل صرفه‌جویی در هزینه‌های تولید آمار انتخاب و حذف شود؟ چرا در دوره‌هایی که دولت‌ها از آن به‌عنوان «پیشرفت» اقتصادی نام می‌برند، انتشار آمار دو مرجع آماری با کمترین اختلاف و با نظمی ستودنی منتشر شده و در روزهای «سخت» بیشترین دقت‌ها صرف گزینش و بایکوت آمار در انتشار می‌شود؟ آیا در پس تبلیغ صرفه‌جویی مالی هدف دیگری دنبال می‌شود؟ هدفی که میان دولت‌ها مشترک بوده است: «پنهان‌کردن آمارهای واقعی که برای دولت افتخارآفرین نیستند».

کزینه‌های روی میز کتمان واقعیت یا عددسازی

به گزارش «شرق»، اختلاف بین دو نهاد آماری کشور سال‌هاست که بر سر موضوعات مختلف، به‌ویژه در دوره‌های تفاوت‌های آماری در شاخص‌های قیمت مصرف‌کننده و تولیدکننده بروز می‌یابد. آخرین مورد این اختلاف‌ها، تفاوت معنادار آمار تورم آذرماه بود. نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه این ماه را بانک مرکزی ۴۲ درصد اعلام کرد، اما به فاصله یک‌قرار از دو ساعت آمار مربوط به این متغیر را از خروجی سایت خود حذف کرد. اما آمار نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه آذرماه در مرکز آمار ۳۸ درصد محاسبه شده است. همچنین بانک مرکزی تا به این لحظه آمار مربوط به نرخ تورم آذرماه و رشد اقتصادی شش‌ماهه دوم امسال را منتشر نکرده و البته اعلام کرده است تا اطلاع ثانوی آمار تورم و شاخص‌های دیگر را نیز منتشر نکرده است. در این شرایطی مرکز آمار نرخ تورم را در کانال ۱۲ تا ۱۸ درصد اعلام می‌کرد (البته در سال‌های بعد آمار این شاخص را بازبینی کرد). همین اتفاق نطفه بی‌اعتمادی مردم و پژوهشگران اقتصادی به مرکز آمار را شکل داد. استدلالی هم که مطرح می‌شد این بود که مرکز آمار به شکل ماهیتی زیر نظر سازمان برنامه‌وبودجه و آن هم وابسته به نهاد ریاست‌جمهوری است. پس اساسا نمی‌تواند مستقل از دولت عمل کند و مجبور به اطاعت از فرامین دولت تحت هر شرایطی است. البته مرجع آماری دیگر هم شرایط کاملا متفاوتی داشت. بانک مرکزی ایران از برخلاف بانک‌های مرکزی در کشورهای جهان نمی‌توان نهادی مستقل از دولت به حساب آورد و به همین دلیل است که کنترل، نظارت و فرایند دستوری در تمامی دولت‌ها همواره بر بانک مرکزی غالب بوده است. دولت‌ها نمی‌خواهند آمار بیانگر وضعیت نامناسب اقتصادی باشد و بانک مرکزی نیز قدرت و استقلال عمل کافی در برابر نه‌گفتن به این خواسته و بیان واقعیت را ندارد. تنها مقاومت این نهاد در برابر عددسازی است. در آمار دستکاری ناگهانی نمی‌کند اما در روزهای سخت اقتصادی آمار را هم منتشر نمی‌کند.

در دو دهه اخیر دو بار بانک مرکزی از انتشار گزارش رشد اقتصادی منع شد یا بهتر بگویم برای دفاع از شفافیت در برابر فشارهای دولت مقاومتی نکرد. یک بار رشد اقتصادی سال ۸۷ و بار دیگر رشد اقتصادی سال ۹۲. تشابه این دو سال افت شدید رشد اقتصادی است. رشد اقتصادی در سال ۸۶ که از نرخ هفت درصد هم عبور کرده بود، یکباره به دلایل مختلفی به ۰.۸ درصد در سال ۸۷ رسید و همین موجب شد انتشار گزارش بانک مرکزی یک سال به تعویق بیفتد. در سال ۹۲ هم رشد به منفی ۶.۸ درصد رسید و باز هم با دستور دولت، بانک مرکزی گزارش رشد اقتصادی را منتشر نکرد. اما در همان سال ۹۴ مرکز آمار ایران رشد اقتصادی یک درصد را اعلام کرد.

مسروری بر آمارهای اعلامی بانک مرکزی و مرکز آمار ایران در سال‌های ۱۳۸۴ تا نیمه نخست امسال نشان می‌دهد با درنظرگرفتن سال ۹۴ که بانک مرکزی رسما در زمان معین نرخی را اعلام نکرده بود (با وقفه یک‌ساله نرخ یک درصد را اعلام کرد)، تنها در سال ۸۷ بوده که این دو مرکز عینا یک میزان را برای نرخ رشد اقتصادی اعلام کرده‌اند و البته در اینجا هم بانک مرکزی با تاخیر اعلام کرد. در این بره‌ه زمانی اوج اختلافات محاسباتی مربوط به سال ۸۶ بوده که مرکز آمار ایران حدود ۲.۸ درصد نرخ رشد را بالاتر از رقم اعلامی بانک مرکزی محاسبه کرده بود. علاوه بر این، در ۱۰ سال از ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۶ تنها در دو سال بانک مرکزی خوش‌بینانه‌تر نرخ رشد را اعلام کرده و در بقیه سال‌ها مرکز آمار ایران نرخی بالاتر از رشد اقتصادی اعلامی بانک مرکزی اعلام کرده است و نکته مهم این بود که در تمامی این سال‌ها نرخ‌هایی از سوی مسئولان و روسای جمهوری بازگو می‌شد که شرایط اقتصادی را بهتر نشان می‌داد.

سیاست‌گذاری در اسناد بالادستی برای سرکوب آمار

در همین بدو امر سال جاری تر قوه‌های سیاسی برای اعلام نرخ‌های اقتصادی، یک سیاست به طور جدی در سطح قانون‌گذاری پیگیری شد. اتفاقی که در اواسط دهه ۸۰ در سند توسعه به نفع دولت به البته توسط دولت اتفاق افتاد و در برنامه ششم توسعه امامه یافت و نمونه مشابه آن که امروز در تصمیم کمیسیون شورای عالی آمار شاهد آن هستیم. در قانون پنجم توسعه مرکز آمار ایران مرجع رسمی اعلام آمار معرفی شد. همان زمان نیز مناقشاتی میان بانک مرکزی و مرکز آمار ایران درباره اعلام نرخ رسمی تورم وجود داشت. همچنان که رئیس دولت بانک مرکزی بعضی محبوبه بهمنی هم انتقاداتی را نسبت به سلب قانونی متوقع‌شدن از انتشار آمار تورم که سابقه دیرینه در این کار داشت، مطرح کرد. البته بانک مرکزی هم در ادامه و با روی‌کارآمدن ولی‌الله سیف از محاسبه و اعلام رسمی نرخ تورم دست نکشید تا زمانی که قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه تصویب شد.

آن‌گونه که در بند الف ماده ۱۰ قانون آمده است: در جهت جلوگیری از مواردی‌کاری همچنان مرکز آمار ایران مرجع اعلام رسمی آمار معرفی شده است. البته در بند ب این قانون نیز تصریح شده است: «دستگاه‌های اجرائی مانند بانک مرکزی مکلفند در حدود وظایف قانونی خود و در چارچوب ضوابط و استانداردهای شورای عالی آمار ایران، آمار تخصصی حوزه‌های مربوط به خود را تولید و اعلام کنند». بند ب این قانون موضوعی بود که بانک مرکزی با استناد به آن به محاسبه و انتشار نرخ تورم استمرار داد و البته همچنان مورد انتقاد مرکز آمار ایران بود که چنین کاری موازی‌کاری محسوب می‌شود و بانک مرکزی نباید مرکز آمار را محاسبه و انتشار آمارهای اقتصادی (تورم و رشد) را متوقف کند.

سؤال اینجاست که با توجه به متن قانون، تولید و انتشار آمار از سوی بانک مرکزی غیرقانونی است؟ در پاسخ به این سؤال باید به چند نکته توجه کرد؛ بند یب ماده ۱۰ قانون احکام دائمی توسعه کشور از سوی مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده و طبیعتا هرگونه تغییر و تفسیر در این قانون باید از سوی قانون‌گذار انجام شود. بنابراین یک کمیسیون شورای عالی آمار آن هم به استراتیژ مرکز آمار از وجاهت قانونی برای منع بانک مرکزی از تولید آمار برخوردار نیست. ضمن اینکه موضوع مهم دیگر این است که اساسا بند یب ماده ۱۰ قانون احکام دائمی توسعه کشور بعد از آن در مجلس به تصویب رسید که اختلاف مرکز آمار و بانک مرکزی درباره محاسبه و انتشار تورم و رشد اقتصادی بالا گرفته بود. برهمین اساس، بند یب قانون مذکور صرفا به دلیل رفع اختلاف‌نظرها درباره تورم و رشد اقتصادی که شامل مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی است، تصویب شد. بند یب ماده ۱۰ قانون احکام دائمی توسعه کشور تصریحا است و زنگ‌خطری برای دولت‌ها به انتشار آمار خود ادامه دهد و در این صورت آمار منتشره تخصصی و رسمی است. بااین‌حال، مصوبه کمیسیون تخصصی شورای آمار که زیرمجموعه مرکز آمار است، اساسا فاقد وجاهت قانونی است چراکه همان‌طور که در بالا هم اشاره شد، اولا مرجع تصویر قانون هم مجلس است ضمنا موضوع این نیست که بانک مرکزی برای انتشار آمار رقیبتی و اعتبارات تسهیلاتی که نیاز به مجوز قانونی نداشت، استفاده کرده است. بلکه اصل مناقشه آماری رشد اقتصادی و تورم بود. بر همین اساس هم بند یب ماده ۱۰ مرجلس به تصویب رسید تا اختلاف‌های مراجع آماری برای محاسبه و انتشار آمار رشد اقتصادی و تورم رفع شود.

سنت مراجع آماری در روزهای سخت اقتصاد

در مقابل این سیاست یکسان که از سوی دولت حسن روحانی و محمود احمدی‌نژاد برای حذف بانک مرکزی از چرخه آماری پیگیری شده است، بانک مرکزی با تکیه بر قدمت ۵۰ساله خود در محاسبه آماری، تولید آمار متغیرهای پولی و ارزی را ادامه داده است و البته با سکوت در برابر آن انتشار را به آینده محول کرد. هم این اتفاقات در سال‌های دوری نیز اتفاق نیفتاده است. همه ما تقریبا کم‌وبیش شرایط اقتصادی اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ را به یاد داریم؛ اروپا و آمریکا اقتصاد ایران را تحریم کرده بودند. شوک ارزی بزرگی در داخل اتفاق افتاد. قیمت جهانی نفت سقوط کرد و سمت تقاضای اقتصاد ایران به خواب زمستانی فرو رفته بود و بر اینکه همه این تحولات از اختیار اقتصادی متورم و در رکود ساخته بود. قدرت خرید مردم تا ۵۰ درصد کاهش پیدا کرده بود. باز در این بازه زمانی اتفاق سال ۸۸ تکرار شد. مرکز آمار از رشدهای اقتصادی مثبت خبر می‌داد و بانک مرکزی نیز ترجیح داد برخلاف رسالت خود، در آن برهه درباره آمار رشد اقتصادی سکوت کرده و اطلاعات از آن را با وقفه یک‌ساله منتشر کند.

در ادامه با انتقادات فراوانی که به مرکز آمار درباره نحوه انتشار و نوع تهیه آمار شد، این نهاد که در قیاس با بانک مرکزی دستگاه به‌نسبت نوپایی در محاسبه و انتشار آمار به حساب می‌آمد، تلاش کرد با ارائه آمارهای مکمل، شاخص تورم خود را با جزئیات بیشتری ارائه دهد که به نیازهای پژوهشگران پاسخ گفته و رفته‌رفته انتشار بانک مرکزی را تحت‌الشعاع قرار دهد. اما حالت اینجاست که همین تغییرات با وجود همه آثار مثبت، گاهی هم به کمک دولت برای بهترنشان‌دادن شرایط آمده است. برای مثال، ترکیب نرخ تورم شهری و روستایی به عنوان نرخ تورم اعلامی یکی از شاخه‌هاست، بانک مرکزی نرخ تورم شهری را محاسبه می‌کند و مرکز آمار هر دو را. اما نکته جالب توجه ترکیب سبد مصرفی در شهر و روستا و سنگین‌ترودن هزینه‌های شهری، میانگین‌گرفتن از اینها باعث می‌شود عدد به سمت کمتر تمایل پیدا کند. همچنین تغییر سال پایه یکی دیگر از مواردی است که به کمک مرکز آمده تا نرخ‌های اعلامی متفاوت از واقعیات را داشته باشد. کم‌کردن وزن کروه‌های مصرفی کرات‌تر نیز مؤثر است.

اما مسئولان مرکز آمار ایران اغلب استدلال هم کرده‌اند که چطور دستگاهی مثل بانک مرکزی که خود متولی آمارهایی مانند تورم و رشد با توجه به ابهای نقش سیاست‌گذاری پولی بوده‌اند، می‌توانند بر خود نظارت کند؟ بنابراین بهتر است محاسبه و اعلام نرخ رشد و تورم را به مرکز آمار ایران واگذارند. مسئولان بانک مرکزی اما تاکید می‌کنند قانون‌گذار بانک مرکزی را از انتشار آمارهای قیمت و حساب‌های ملی منع نخواهد است. به نظر می‌رسد یکی از ابهامات موجود درخصوص کلمه «آمارهای تخصصی» در بند یب ماده ۱۰ قانون احکامی برنامه توسعه است. درحالی‌که مسئولان مرکز آمار ایران معتقد هستند آمارهای تخصصی بانک مرکزی، شامل آمارهای پولی و بانکی می‌شود، مسئولان بانک مرکزی معتقدند تفسیر قانون باید توسط قانون‌گذار صورت گیرد و تنها این نهاد است که می‌تواند درباره‌اش به حقوق اختیارات بانک مرکزی را مشخص می‌کند. از نگاه مسئولان بانک مرکزی، این تفسیر مرکز آمار ایران اغلب استدلال هم کرده‌اند که حقوق دستگاهی مثل بانک مرکزی که حقوق متولی آمارهایی مانند تورم و رشد با توجه به ابهای نقش سیاست‌گذاری پولی بوده‌اند، می‌توانند بر خود نظارت کند؟ بنابراین بهتر است محاسبه و اعلام نرخ رشد و تورم را به مرکز آمار ایران واگذارند. مسئولان بانک مرکزی اما تاکید می‌کنند قانون‌گذار بانک مرکزی را از انتشار آمارهای قیمت و حساب‌های ملی منع نخواهد است. به نظر می‌رسد یکی از ابهامات موجود درخصوص کلمه «آمارهای تخصصی» در بند یب ماده ۱۰ قانون احکامی برنامه توسعه است. درحالی‌که مسئولان مرکز آمار ایران معتقد هستند آمارهای تخصصی بانک مرکزی، شامل آمارهای پولی و بانکی می‌شود، مسئولان بانک مرکزی معتقدند تفسیر قانون باید توسط قانون‌گذار صورت گیرد و تنها این نهاد است که می‌تواند درباره‌اش به حقوق اختیارات بانک مرکزی را مشخص می‌کند. از نگاه مسئولان بانک مرکزی، این تفسیر مرکز آمار ایران از نگاه کارشناسان بانک مرکزی، خیلی درخصوص موارد قضائی (مانند محاسبه مهریه)، آمارهای بانک مرکزی مورد استناد قرار می‌گیرد.

تاوان سانسور اطلاعات آماری

کارشناسان نیز تولید آمار پولی از سوی یک نهاد تصمیم‌گیر در سیاست پولی را نقطه قوتی برای انتشار آمار پولی از سوی بانک مرکزی می‌دانند. وحید شقاقی‌شهری، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «شرق»، درباره‌این توضیح داد: مرکز آمار همواره یکبر این بوده که به عنوان مرجع آماری کشور خود را معرفی و سایر مراجع را حذف کند و البته این خواسته خود را با تحای مختلف با همیاری دولت‌ها پیش برد؛ نمونه بارز آن قانون برنامه پنجم توسعه است که مرکز آمار را به عنوان مرجع رسمی آمار عنوان کرده است؛ سندی که متن آن در سازمان برنامه‌وبودجه تدوین شده، سازمانی که مرکز آمار به نوعی زیرمجموعه آن است.

شقاقی‌شهری نیز این نکته را تایید می‌کند که اختلاف آماری در برهه‌های مختلف حساسیت‌ها را بیشتر کرده، خصوصا در شرایط بحران اقتصادی این حساسیت خیلی بیشتر شده است. در پژوهش‌های تاریخی دولت‌ها تلاش کرده‌اند بانک مرکزی را از چرخه آماری حذف کنند. در برنامه پنجم توسعه به بعد از لحاظ قانونی، دست پیش را گرفته‌اند که مرکز آمار را به‌عنوان مرجع رسمی جا بیندازند. اما عملا این تغییر قانونی موفق نبوده و همچنان با توجه به تجارب قبلی مردم و پژوهشگران به آمار تولیدی بانک مرکزی اتکا می‌کنند.

او اضافه کرد: اختلاف اخیر بانک مرکزی و مرکز آمار هم خود را از تفاوت تورم نشان داد. تورم نقطه به نقطه آذرماه در بانک مرکزی ۴۲ درصد و در مرکز آمار ۳۷ درصد اعلام شد. این میزان تفاوت در شرایط اقتصادی فعلی بسیار زیاد است. مشکل هم اینجاست که بانک مرکزی نرخ تورم را با سبد کالای شهری محاسبه می‌کند و مرکز آمار ترکیبی از نرخ تورم شهری و روستایی را اعلام می‌کند. ۷۰ درصد مردم شهرنشین هستند و طبیعی است عدد بانک مرکزی ملموس‌تر باشد. بخش مسکن تاثیر خیلی زیادی بر نرخ تورم دارد و به همین دلیل نرخ تورم شهری بیشتر است. مرکز آمار نرخ تورم روستایی را هم اضافه می‌کند.

همان‌طور که از صحبت‌های این کارشناس برمی‌آید، مسئله فقط تعدد دستگاه‌های اعلام آمار نیست. این دو دستگاه در موارد بسیاری در اعلام دو نرخ تورم و رشد، تفاوت بسیار عمیقی را هم داشته. به عنوان مثال در بهار سال جاری وقتی تورم خرداد ۹۶ اعلام شد، فاصله سه واحد درصدی طبق آنچه مرکز آمار ایران از نرخ تورم خرداد ماه منتشر کرده بود، وجود داشت (تورم مرکز آمار ۷.۴ درصد و تورم بانک مرکزی ۱۰.۲ درصد). همین فاصله، انتقادات را به اوج رسانده و بسیاری این مسئله را مطرح کردند که چطور ممکن است هر دو مرکز از شیوه‌های علمی استفاده کرده باشند و چنین اختلاف آماری وجود داشته باشد؟ هر دو این مراجع استدلال کردند که شیوه آنها دقیق‌تر است؛ مرکز آمار ایران عنوان می‌کرد شیوه‌اش از بانک مرکزی دقیق‌تر است چراکه بانک مرکزی نرخ تورمی را که محاسبه می‌کند، براساس آمار ۷۹ شهر بزرگ، ۳۸۶ قلم کالا و ۱۱۱ هزار مظنه قیمت است. درحالی‌که مرکز آمارگیری مرکز آمار بر ۲۲ شهر، ۲۶۶ روستا، ۲۷۵ قلم کالا و ۴۲۰ هزار مظنه قیمت است. بانک مرکزی هم در مقابل بر دقت بالای شیوه محاسبه خود و قدمت دستگاه مذکور در ارائه آمارهای مربوط به رشد و تورم تاکید دارد. هر دو مرکز اعلام می‌کردند که دستکاری آمار نمی‌کنند. بنابراین نمی‌توان از آنها انتظار داشت که به عدد ازپیش‌تعیین‌شده‌ای برسند. در نتیجه به کمان هر یک در نرخ آنها